

سیاست جنایی ایران در قرارداهای تأمین کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

روبا قاسمی^۱

چکیده:

مقامات قضایی دادسرا در پی‌ریزی و شکل‌گیری پرونده کیفری نقش بسزایی ایفا می‌نمایند و عدم رعایت الزامات دادرسی عادلانه در مراحل مختلف فرایند کیفری به‌ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند جریان دادرسی را به سمت اتخاذ تصمیمی ناعادلانه هدایت نماید. بر همین اساس جایگاه قدیمی دادسرا از دویست سال پیش تا به امروز تحول پیدا کرده و دگرگونی عظیمی در سیاست جنایی نوین، در این زمینه ایجاد شده است. نظام کیفری ایران در قرارداهای تأمین کیفری جهت اجرای یک سیاست جنایی کارآمد نیازمند سازمان‌دهی جدیدی است که با نظرات اندیشمندان در مورد سیاست جنایی منطبق باشد و بدون داشتن سیاست جنایی منطقی نمی‌توان پاسخی در خور داشت. سیاست جنایی ایران اغلب در قبال مجرمین سرکوبگر و قهرآمیز بوده و سیاست تقنینی ایران دچار دوگانگی و بعضاً نیز سیاست جنایی تقنینی و قضایی باهم در تضاد هستند. ضرورت جرم‌انگاری‌ها قابل انکار نیست ولی پیش‌بینی مجازات‌های موقتی مثل قرار بازداشت طولانی مدت و حتی قرار عدم خروج از حوزه قضایی و ... تا حدودی ناشی از بی‌توجهی به آموزه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی است. قضات برای پرهیز از تبعات سوء فرایند کیفری در اعمال چنین مجازات‌های اغلب دچار تردید می‌شوند. پیشگیری از جرم مؤثرترین بخش سیاست جنایی است ولی پیشگیری در حقوق ایران چندان مهم شمرده نمی‌شود و سیاست قهرآمیز نیز در حال حاضر با چالش جدی مواجه است.

کلمات کلیدی: سیاست جنایی، قرارداهای تأمین کیفری، آیین دادرسی کیفری

^۱. نویسنده مسئول

۱. مقدمه:

نظام کیفری ایران، به دلیل تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی حقوق محدودی را برای متهم پیش‌بینی کرده است. حق اعتراض به برخی از قرارهای دادرسی و امکان حضور وکیل متهم در تحقیقات (بی‌آنکه حق مداخله در جریان تحقیق را داشته باشد) از جمله حقوق دفاعی محدودی بود که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ پذیرفته شده بود. در این میان، مقررات ناظر به «تحقیقات مقدماتی» از این نظر که احتمال نقض حقوق دفاعی متهم (از جمله حق آزادی متهم) در این مرحله بیشتر قابل مرحله تصور است تحولات مهمی داشته و در پی ترافی کردن هرچه بیشتر تحقیقات مقدماتی و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعواست و در نتیجه، گرایش به سوی نظام اتهامی دارد. پیشگیری از وقوع جرم، توسعه حقوق شهروندی و حفظ حقوق متهم در تمام مراحل رسیدگی، حمایت از بزه دیدگان و شهود، دادرسی همراه با سرعت و دقت و مبتنی بر مشورت تخصصی، حمایت از امنیت و آسایش جامعه، دادرسی ترافیعی، احیای سیاست‌های کیفری در نظام ادله اثبات دعوی و غیره از امتیازهای قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به شمار آمده است. امروزه، سیاست جنایی در قوانین و مقررات تنها تدابیر سرکوبگر را در بر نمی‌گیرد، بلکه پیشگیری از بزهکاری، سالم سازی محیط اجتماعی و اصلاح و درمان را نیز شامل می‌شود، در نتیجه می‌توان هدف سیاست جنایی را در حلقه اول تنبیه مجرم و بعد، اصلاح و برگشت او به اجتماع دانست. از جهت زمانی نیز یک سیاست جنایی پویا و کارآمد همیشه ناظر به جامعه امروز است. بنابراین هر سیاست جنایی لزوماً مقطعی و مقید به زمانی خاص است و برای جامعه حاضر پیش‌بینی و تدوین می‌گردد. کنشگران سیاست جنایی از جمله دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم و نماینده جامعه، وظیفه اعمال دعوی عمومی را بر عهده دارد. هدف دعوی عمومی جبران لطمه وارد شده به نظم اجتماعی با اجرای یک مجازات و یا یک اقدام تأمینی درباره مرتکب جرم است. دعوی عمومی یک دعوی مربوط به نفع عمومی بوده و از امور آمره است و دادرسی که فقط مأمور اجرای آن است هرگز حق انصراف ندارد. برای ایجاد امنیت قضایی، دستگاه قضایی به‌ویژه مقام تعقیب کیفری و تحقیق در اجرای وظایف قانونی خود می‌باید به حقوق و آزادی‌های افراد جامعه، احترام گذاشته و حرمت انسان‌ها را حفظ نمایند یکی از اهداف مهم سیاست جنایی عدالت کیفری است و همین

۲. استفانی، گاستون، لوسور، ژرژ، بولک، برنار، آئین دادرسی کیفری، مترجم: حسن دادبان، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵.

عدالت کیفری زمانی تحقق می‌یابد که در تعقیب و مجازات مرتکبان جرم، از جمله هنگام صدور قرارهای تأمین کیفری اصول اساسی مربوط به حرمت انسانی رعایت شده و موازین حقوق بشر مدنظر قرار گیرد. احترام به حقوق بشر محور اصلی تحولات نظام‌های دادرسی کیفری دنیا در دهه‌های اخیر است. مفاهیمی چون رسیدگی عادلانه، حقوق دادخواهی و دفاعی، برابری سلاح‌ها، بی‌طرفی دادگاه‌ها و علنی بودن رسیدگی، کاهش موارد بازداشت موقت، جبران خسارت معنوی و مادی بازداشت شدگان بی‌تقصیر، لزوم مداخله وکیل در تمام مراحل رسیدگی و حاکمیت اصل برائت در تمام مراحل رسیدگی از الزامات عدالت کیفری به شمار می‌روند. درست است که از جمله اهداف اصلی سیاست جنایی پیشگیری از وقوع جرم و سرکوب آن است ولی تأکید بر رعایت حقوق متهم در قرارهای تأمین کیفری در یک نظام دادرسی مبتنی بر حقوق بشر، برخاسته از دو پیش فرض است: اول آنکه متهم به‌عنوان یک فرد در برابر دستگاه قدرتمند دادگستری قرار گرفته و در نتیجه امکان ظلم به او خودبه‌خود افزایش یافته است و دوم اینکه در نظام‌های حقوقی مردم‌سالار، تنها چیزی که شایستگی و توانایی محدود کردن آزادی را دارد، قواعد عادلانه مبتنی بر توافق و تفاهم جمعی است. از این‌رو در نظام‌های رسیدگی کیفری یک سلسله تضمینات قانونی برای تقویت موقعیت مظنون و متهم تعبیه شده است تا فردی که در مظان اتهام ارتکاب جرم قرار گرفته است به دور از اشتباهات قضایی و با حفظ کرامت انسانی‌اش به‌صورت عادلانه محاکمه شود. بدین جهت در سیاست جنایی نوین، اصلاحاتی در این راستا انجام و اختیارات پیش‌گفته از دادستان سلب شده است. در کشور ما به دلایل غیرمنطقی دادرسی حدود یک دهه (۱۳۷۳-۱۳۸۱) منحل شد با این‌حال احیای دادرسی در سال ۱۳۸۱ فرصت خوبی بود که این اصلاحات در راستای سلب اختیارات دادستان جهت تحقق هرچه بیشتر دادرسی عادلانه و رعایت حقوق دفاعی متهم انجام گیرد، ولی نه تنها فکر و اندیشه جدیدی در این قانون به چشم نمی‌خورد، حتی بدون لحاظ تحولات و اصلاحات انجام یافته در سیاست جنایی نوین مجدداً مقررات آئین دادرسی کیفری دویست سال قبل در قانون گنجانده شده و موارد جزئی نیز که در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه در نظر گرفته شده وافی به نظر نمی‌رسد. نظر به این‌که امروزه سیاست جنایی دولت‌ها جهت برقراری امنیت و آزادی و رعایت عدالت و حقوق فردی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، در سطح داخلی، اقدامات خطیری برای حفظ این امور به تصویب مراجع و کمیسیون‌های متعددی در

جهت حفظ حقوق متهم و الزام و پای بندی نظام قضایی برای پذیرش و اجرای آن، موردتوجه و تأکید قرار گرفته است.

۲. کلیات مفاهیم:

۲-۱. مفهوم سیاست جنایی:

مفهوم سیاست جنایی از بدو خلقت تا به امروز تطورات و تحولات فراوانی را به خود دیده است به طوری که نتیجه این فرایند، فربه تر شدن این اصطلاح از آغاز تا زمان کنونی شده است. بدین گونه که به طور کلی مفهوم سیاست جنایی از ابتدا تا اکنون به دو صورت متفاوت، از مضیق شروع شده و با رویکرد موسع به اوج رسیده است. آغازگر این اندیشه در سال ۱۸۰۳ میلادی، فوئر باخ پروفیسور آلمانی است که با به کار بردن اصطلاح سیاست جنایی در کتاب حقوق کیفری خویش، برای اولین بار این اصطلاح را وارد قلمرو حقوق کیفری نمود، از دیدگاه او سیاست جنایی، شامل مجموعه شیوه‌هایی سرکوبی می‌شود که دولت از طریق آن‌ها و با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد.^۳ با توجه به مؤلفه‌های تعریف فوق از یک سو و گستردگی قلمرو حقوق کیفری از سوی دیگر، باعث شده است که امروزه، به برداشت فوئر باخ از سیاست جنایی، تعبیری مضیق یا به اصطلاح همان سیاست کیفری در معنای خاص، اطلاق گردد. چرا که سیاست جنایی در تفکر فوئر باخ: تدبیرها و اقدام‌ها، عمدتاً ماهیت قهر آمیز و تنبیهی دارد. این ابزارها کاملاً جنبه رسمی (دولتی) دارند، بدین معنا که صرفاً قوای عمومی حاکمیت (محکمه، پلیس، زندان...) اجرا کننده این ابزارها می‌باشند.^۴

جرم اولاً تنها پدیده‌ای است که این ابزارها به مقابله با آن می‌پردازند. ثانیاً تعریف و حد و مرز جرم را نیز قانون‌گذار مشخص نموده است. بنابراین سایر رفتارهای منحرفانه، هرچند که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی مذموم هم باشند از این تعریف خارج است. پیش‌گیری از جرم نیز، طبعاً تنها پیش‌گیری کیفری را شامل می‌شود، چرا که اقدام‌های پیش‌گیری غیر کیفری در این تعریف جایگاهی ندارد.^۵ دانشمند آلمانی فون لیسرت در ۱۸۸۹ نیز

۳. مارتی، دلماس، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۱.

۴. صادقی، احمدرضا، مقدمه‌ای بر مفهوم سیاست جنایی، ماهنامه عدالت، سال دوازدهم، شماره ۹۰، ص ۱۶۶.

۵. لازرژ، کرسستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۴.

مبتنی بر همین دیدگاه مضیق، سیاست جنایی را «سازمان‌دهی عقلی مبارزه علیه جنایت بر پایه داده‌های دانش جرم‌شناسی» می‌دانست.^۷

در فرانسه نیز آقای کوش (۱۹۰۵) در «رساله علم اداره و قوانین زندان‌ها» خود با تفکیک علوم محض از دید وی که شامل (جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی و انسان‌شناسی جنایی) می‌شد از سیاست جنایی، به دنبال تعیین جایگاه سیاست جنایی در میان سایر رشته‌های علوم جنایی بود، بدین ترتیب از دیدگاه وی سیاست جنایی یعنی «یک علم کاربردی که هدف آن موفقیت عملی در سازمان‌دهی عقلانی و مؤثر مبارزه با جرم است»^۸ ال‌نهایی دندی یو دو وابر استاد دانشگاه پاریس و قاضی دادگاه نورنبرگ (۱۹۳۸) دیدگاهی مشابه به کوش را تا نیمه‌های سده بیستم بر قلمرو علوم جنایی ادامه داد به نظر ایشان «سیاست جنایی یک هنر و فن است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه‌ی مؤثر علیه جرم را میسر می‌سازد»^۹. پس از پایان جنگ دوم جهانی، آقای مارک آنسل قاضی و پژوهشگر فرانسوی در مقاله خویش در سال ۱۹۷۵، تعبیری نسبتاً موسع نسبت به آنچه فوئر باخ مطرح نموده بود، ارائه نمود؛ ایشان سیاست جنایی را هم‌زمان «علم مشاهده و مطالعه» و «هنر، فن یا استراتژی اصولی و نظام یافته واکنش ضد جنایی» دانسته است.^{۱۰}

۲-۲. مفهوم قرار تأمین و نظارت (قضایی) کیفری:

قرار تأمین و نظارت قضایی (کیفری) قیدی است محدودکننده آزادی که مطابق ترتیبات قانونی و برای امکان دسترسی به متهم، درباره‌ی وی اعمال می‌شود. اخذ تأمین، اولین اقدام رسمی است که پس از بازجویی از جانب مقام قضایی صورت می‌گیرد. مطابق ماده ۲۱۷، قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به‌منظور دسترسی به متهم و حضور به‌موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین را صادر می‌کند. اخذ تأمین از متهم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از یک‌سو اصل برائت ایجاد می‌کند که تا

۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «سیاست جنایی»، مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۰۷.

۸. لازرژ، پیشین، ص ۱۲.

۹. همان.

۱۰. همان، ص ۱۳.

تعیین تکلیف قطعی اتهام وارده به شهروندان هیچ‌گونه محدودیتی نسبت به اموال یا آزادی آنان وارد نشود، از سوی دیگر ضرورت تحقیق، ممانعت از فرار و تبانی و به‌ویژه جلوگیری از تضییع حقوق بزه دیدگان و قربانیان جرم و ... نیازمند این است که در پاره‌ای از موارد، قبل از اعلام نظر قطعی قضایی، آزادی متهم سلب یا محدودیت‌ها و تعهداتی برای او یا سایر افراد فراهم شود.^{۱۱}

از زمان مطرح شدن پرونده‌ای در دادگاه و یا حتی شروع به تحقیق و رسیدگی و قبل از آن در تحقیقات مقدماتی معمولاً تصمیمات مختلفی اتخاذ می‌شود. تصمیمات دادگاه به دودسته کلی تقسیم می‌شوند. ماهیت بعضی قضایی است و برخی تصمیمات هم اداری می‌باشد؛ عمل قضایی مانند رأی که اعم از حکم و قرار است و تصمیم اداری مانند ارجاع پرونده به نیروی انتظامی، معرفی مصدوم به پزشکی قانونی و... که می‌تواند مقدمه‌ای برای صدور رأی باشند.

۱-۲-۲. مفهوم لغوی قرارهای تأمین و نظارت قضایی:

قرار تأمین کیفری از انواع قرارهای اعدادی است که در جهت به کیفر رسانیدن متهم صادر می‌گردد و در علم لغت قرار به صورت زیر تعریف شده است: در لغت: ثبات. آرامیدن. برقرار شدن. پایدار شدن.^{۱۲} و همچنین: جا گرفتن. آرام گرفتن. پابرجا شدن درجایی. آرامش آسودگی^{۱۳} رأی یا حکمی که درباره امر یا مسئله‌ای صادر شود. عهد و پیمان هم گویند.^{۱۴} و همین‌طور به معنای امین کردن، حفظ کردن و ایمن نمودن می‌باشد.^{۱۵}

۲-۲-۲. مفهوم اصطلاحی قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی:

در اصطلاح حقوق قرار عبارت است از تصمیم قضایی که از سوی مقام قضایی در طول تحقیقات مقدماتی و در مقام انجام دادن تحقیق و در موارد استثنایی در جریان محاکمه و رسیدگی دادگاه صادر می‌شود، این تصمیم ممکن است ناظر به متهم، سایر اشخاص، یا در مورد اشیاء و اموال آنان باشد. در علم حقوق نیز قرار این‌گونه تعریف می‌شود: قرار عبارت است از تصمیم دادگاه در امر ترافیعی که کلاً یا بعضاً قاطع دعوی و

۱۱. اباذری فومشی، منصور، نحوه عملی تنظیم و نگارش انواع قرار و دستورات قضایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۵۳.

۱۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، جلد چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۹۴.

۱۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات ساحل، تهران، ۱۳۸۳، ص ۶۹۵.

۱۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۸۱۲.

۱۵. معین، محمد، پیشین، ص ۱۰۱۷.

خصوصیت نباشد.^{۱۶} در اصلاح حقوقی بحث‌های فراوان شده چراکه در قوانین به‌طور ایجابی از قرار تعریف به عمل نیامده و مقنن به تعریف سلبی بسنده کرده است. در قانون آئین دادرسی کیفری تعریفی از قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی به عمل نیامده است.

۳. اجرای سیاست جنایی در قرارهای تأمین کیفری:

۳-۱. ترافی بودن رسیدگی :

ترافی بودن تحقیقات مقدماتی آن است که شاکی و متهم به بحث با یکدیگر پرداخته و هر یک دلیل خود را ابراز کند و پاسخ لازم در برابر دلایل همدیگر داده شود و قاضی تحقیق ناظر این بحث و گفتگو باشد تا در مواقع نیاز بتواند بر اساس بحث و گفتگوهای رد و بدل شده اقدام به صدور قرار تأمین کیفری مناسب کند. روش ترافی مثل اصل علنی بودن دادرسی که بر اساس آن هر شخصی می‌تواند بدون هیچ محدودیتی نسبت به دادرسی‌ها آگاهی پیدا کند و در محل اجرای دادرسی حاضر شود.^{۱۷} از خصایص نظام اتهامی بوده و در راستای اصل تساوی سلاح‌ها از الزامات دادرسی عادلانه جهت اعتبار بخشیدن به اقدامات سیاست جنایی می‌باشد. دفاع از منافع جامعه که یکی از اهداف سیاست جنایی نظام قضایی در دولت‌ها می‌باشد نباید منجر به نادیده گرفتن حقوق متهمان گردد. مقررات آئین دادرسی کیفری باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که علاوه بر رعایت حقوق جامعه، بی‌گناه را نیز در اثبات بی‌گناهی خود یاری کند.^{۱۸}

درست است که در هر سیاست جنایی یکی از اهداف نظام حاکمه اقدام به پاسخ به بزه و همچنین اصلاح‌پذیری بزه‌کار است ولی متهم نیز عضوی از جامعه بوده و وظیفه مقامات قضایی دادسرا حفظ حقوق عامه می‌باشد؛ بنابراین مقامات قضایی دادسرا علاوه بر بزه دیده، باید در حفظ حقوق متهم به‌عنوان عضوی از جامعه تلاش نمایند و نباید به هر قیمتی درصدد محکومیت متهم و به‌تبع آن صدور قرار تأمین کیفری باشند، بلکه باید دلایل له و علیه متهم هر دو را ابراز نماید تا در صورت بی‌گناهی متهم، زمینه تبرئه او را فراهم سازد. در این راستا حفظ حقوق دفاعی متهم به‌عنوان یکی از الزامات دادرسی عادلانه مطرح می‌گردد و ترافی بودن رسیدگی به این

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و هشتم، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۴، ص ۵۳۱.

۱۷. محمد ظاهر، معروف، المبادئ الادله فی اصول الاجراءات الجنائیه، بغداد، دارالطبع والنشر الاهلیه، ۱۹۷۲، ص ۱۳۵.

۱۸. آشوری، محمد، پیشین، ص ۶.

امر کمک بسزایی خواهد داشت؛ چرا که در صورت ترافی بودن رسیدگی، دادستان با تکیه بر دلایلی درصدد اثبات مجرمیت متهم بر خواهد آمد که به شیوه ترافی مورد بحث و ارزیابی انتقادی متهم و وکیل مدافع وی واقع شده باشد و برعکس غیر ترافی بودن آن دادرسی را به سوی یک دادرسی ناعادلانه هدایت کرده و توازن سلاح‌ها را به سود دادستان و شاکی خصوصی و به زیان متهم برهم می‌زند. در همین راستا است که مداخله یک مقام بی‌طرف در بعضی از کشورها برای ارزیابی و تشخیص کفایت ادله جمع‌آوری شده علیه متهم پیش‌بینی شده است^{۱۹} و این امر از سوءاستفاده دادستان‌ها جلوگیری خواهد کرد. امروزه در راستای تقویت بعد ترافی رسیدگی و تعدیل غیر ترافی بودن آن و حفظ حقوق دفاعی متهم بر نقش وکیل مدافع در مراحل مختلف فرایند دادرسی کیفری تأکید خاص می‌شود که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دخالت وکیل در تحقیقات مقدماتی و به تبع آن هنگام صدور قرارهای تأمین کیفری را تنها در مواد قانونی محدودی مجاز و از حقوق متهم دانسته است (از جمله مواد ۵-۲۶۲-۴۰۶-۲۶۳-۳۵۹-۳۹۹). ترافی شدن رسیدگی موجب می‌شود تحقیقات با حضور وکیل مدافع متهم یا دعوت قبلی او انجام شده و به متهم کلیه حقوق دفاعی وی از جمله حق گرفتن وکیل، حق سکوت و حق داشتن مترجم تفهیم. ذر قوانین بسیاری از کشورهای پیشرفته این روش تعدیل شده است و به متهم اجازه و امکان داده می‌شود تا در مرحله تحقیقات مقدماتی همانند مرحله دادرسی از حضور و شرکت فعالانه یک وکیل مدافع بهره‌مند شود. یکی از تضمینات اساسی حقوق متهم در نظام‌های دادرسی کیفری مدرن، حق داشتن وکیل و همراهی او در تمام مراحل فرایند عدالت کیفری است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این عرصه هم صدا با معیارهای جهانی حقوق بشر، در اصل ۳۵ به حق بهره‌مندی متهم از وکیل مدافع تصریح نموده است؛ اما با مرور قوانین عادی دادرسی کیفری تضمینی در این مورد دیده نمی‌شود.

۲-۳. ترافی بودن رسیدگی در قرارهای تأمین کیفری:

در اصلاحات ۱۳۳۵ تبصره الحاقی به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری، امکان حضور وکیل متهم را در تحقیقات، بدون اینکه مشارالیه حق داشته باشد در جریان تحقیق مداخله کند، پذیرفته بود. متأسفانه قانون آیین

^{۱۹}. آشوری، محمد، نگاهی به حقوق دفاعی متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مجله مجتمع آموزش عالی قم، دوره ۳، ش ۳، ۱۳۸۷، ص ۳.

^{۲۰}. زراعت، عباس، آیین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد، چاپ اول، نشر دانش‌پذیر، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴.

دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ نه تنها در جهت ترافیکی کردن تحقیقات مقدماتی گامی برداشت بلکه تبصره ماده ۱۲۸ قانون یادشده در راستای تضييع حقوق دفاعی متهم و عدم رعایت تساوی سلاح‌ها گام برداشته است. ذکر این نکته لازم است که هر قدر بر ترافیکی بودن تحقیقات که از ویژگی‌های نظامی اتهامی است افزوده شود به همان میزان از سرّی بودن آن که از ویژگی‌های نظامی تفتیشی است کاسته می‌شود. در جهان امروزی با توجه به اینکه بر ضرورت تساوی سلاح‌ها بین اصحاب دعوی تأکید می‌شود به تدریج از سرّی بودن تحقیقات مقدماتی نسبت به متهم و وکیل او در قوانین بسیاری از کشورها کم شده است. خوشبختانه در ماده ۱۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری، پیشرفتی در این زمینه که به ترافیکی شدن رسیدگی کمک می‌کند، به چشم می‌خورد و آن اینکه اولاً بازپرس پیش از شروع به تحقیق مکلف است حق داشتن وکیل را به متهم ابلاغ و تفهیم نماید که ضمانت اجرای تخلف از آن، بطلان تحقیقات می‌باشد؛ ثانیاً مواردی که در قانون فعلی مانع از حضور وکیل در جلسه تحقیق می‌شود حذف شده ولی بازپرس می‌تواند قرار عدم دسترسی به پرونده در راستای ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری صادر کند که این قرار ظرف سه روز پس از ابلاغ حضوری به متهم یا وکیل وی از سوی آنان، قابل اعتراض در دادگاه صالح می‌باشد. تکلیف قاضی توسط قانون‌گذار جهت صدور قرار که البته باید موجه و مستدل بر چگونگی احراز محرمانه بودن تحقیقات باشد قابل تحسین است؛ چرا که می‌توان از طریق شکایت از این قرار به ایجاد تعادل از دست‌رفته و رعایت تساوی سلاح‌ها بین شاکی و متهم امیدوار شد.

۳-۳. سیاست جنایی در قرار بازداشت متهم :

قرار بازداشت موقت یا توقیف احتیاطی شدیدترین اقدام علیه آزادی اشخاص در جریان تحقیقات مقدماتی است که یکی از شیوه‌های سرکوب‌گر و تا حدودی جنبه پیشگیرانه در سیاست جنایی است. امروزه به دلیل مغایرت این قرار با اصل برائت و حفظ حیثیت افراد، رویه قانون‌گذاران بر این امر تعلق گرفته که از این داروی تلخ ولی مؤثر در موقعیت‌های استثنایی استفاده شود. در مورد فرد بازداشت‌شده باید ظن معقولی مبنی بر ارتکاب جرم و بیم فرار وجود داشته باشد. به این معنی که نگرانی مبنی بر ارتکاب جرم، موجه و تدبیر اتخاذشده در هر قضیه متناسب باشد. در ارزیابی قضایا، تمامی اوضاع و احوال هر پرونده و به‌ویژه شخصیت فرد باید در نظر گرفته شود؛ مانند اینکه آیا فرد مزبور سابقه ارتکاب این قبیل جرائم را داشته است یا نه و اینکه آیا احتمال می‌رود در صورت آزاد بودن، بازهم مرتکب جرم شود یا نه؟

صدور قرار بازداشت موقت متهم از سوی مقامات دادسرا نتیجه همان اختیار انجام تحقیق توسط مقامات دادسرا است. نظر به اینکه دادستان یکی از طرفین دعوی عمومی است نباید تحت هر صورتی از هدف اصلی سیاست جنایی و عدالت کیفری خارج شود. از طرف دیگر اختیار صدور قرار بازداشت موقت توسط دادستان به عنوان یکی از طرفین دعوی مخالف با اصل تفکیک مقام تعقیب از تحقیق و اصل بی طرفی و مغایر اصل تساوی سلاح‌ها بوده و سلب اختیار امر تحقیق از دادستان موجب منتفی شدن صدور قرار بازداشت موقت متهم از سوی دادستان خواهد بود. ذکر این نکته لازم است که در فرانسه مقام صلاحیت‌دار در زمینه صدور یا تمدید قرار بازداشت موقت و نیز درخواست آزادی، «قاضی آزادی‌ها و بازداشت» است و دادستان و بازپرس اختیار صدور قرار بازداشت موقت را ندارند، قاضی آزادی‌ها و بازداشت یک صاحب منصب قضایی نشسته و هم‌ردیف رئیس، معاون اول یا معاون رئیس است و توسط رئیس دادگاه شهرستان انتخاب می‌شود.^{۲۱}

با توجه به اختیار دادستان در انجام تحقیقات مقدماتی در صورت نبودن بازپرس بر طبق ماده ۱۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری، همچنان دادستان حق صدور قرار بازداشت موقت را دارد و بر طبق ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری یادشده، قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را کتبی به بازپرس اعلام کند؛ هرگاه دادستان با بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح خواهد بود و متهم با صدور رأی دادگاه، بازداشت می‌شود. تغییر عمده‌ای که در این زمینه به چشم می‌خورد این است که در صورت اختلاف بین بازپرس و دادستان در هر صورت، حل اختلاف با دادگاه صالح خواهد بود و دیگر نظر دادستان در صورت صدور قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس که رأساً صادر می‌نماید، لازم‌الاتباع نخواهد بود.

^{۲۱}. تدین، عباس، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، چاپ اول، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۸. ص ۱۲۶.

نتیجه گیری :

علی‌رغم تحوّل عظیم در سیاست جنایی نوین در مورد جایگاه دادرسی و تقلیل اختیارات دادستان‌ها در راستای حمایت از حقوق دفاعی متهم و ضوابط حقوق بشری، قانون‌گذار ما در احیای دادرسی بعد از حدود یک دهه الغاء غیرمنطقی آن، از این تحوّل به دور مانده است. از بین رفتن الزامات دادرسی عادلانه از جمله اصل تساوی سلاح‌ها، اصل بی‌طرفی، اصل استقلال مقامات قضایی و اصل تفکیک مقاطع مختلف دادرسی با مقررۀ وحدت مقام تعقیب و تحقیق و اجراء، عدم وجود قاضی ارجاع به‌جای دادیار ارجاع، عدم اثبات ادعا از سوی دادستان در جلسه علنی دادگاه و صدور قرار بازداشت متهم توسط دادستان در قانون ما، جریان دادرسی را به سمت اتخاذ تصمیمی ناعادلانه هدایت کرده است. قانون‌گذار در موارد متعددی از اصل استقلال مقامات قضایی تخطی و در مواردی بازپرس را در حکم ضابط دادستان قرار داده است. لحاظ حقوق دفاعی متهم و ضوابط حقوق بشری و ضرورت وجود رویکرد کرامت به عدالت کیفری ایجاب می‌کند تحدیداتی در ساختار و عملکرد دادرسی و تقلیل اختیارات دادستان‌ها در جهت تحقق هرچه بیشتر برگزاری دادرسی عادلانه صورت گیرد. در قانون آئین دادرسی کیفری پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در جهت حفظ حقوق دفاعی متهم دیده نمی‌شود.

پاره‌ای از مواد قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در قراردادهای تأمین کیفری و نظارت قضایی در راستای سیاست‌های حبس زدایی که یکی از اهداف مهم سیاست جنایی یعنی اصلاح و بازپروری سیاست جنایی است، می‌باشد، چراکه در این قانون سعی شده است با ارائه قراردادهای تأمین متنوع و محدود نمودن صدور قراردادهای منتهی به بازداشت متهم از تعداد کسانی که با قراردادهای تأمین راهی زندانی می‌شوند و متعاقب آن توجه به حقوق متهم، به تعداد قابل توجهی بکاهد.

فهرست منابع و مآخذ :

۱. منابع فارسی:

الف) کتب:

۱. اباذری فومشی، منصور، نحوه عملی تنظیم و نگارش انواع قرار و دستورات قضایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
۲. تدین، عباس، قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، چاپ اول، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۸.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و هشتم، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۴.
۴. جوانمرد، بهروز، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، انتشارات جاودانه، تهران، ۱۳۹۴.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۴، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲.
۶. زراعت، عباس، آئین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد، چاپ اول، نشر دانش پذیر، تهران، ۱۳۸۸.
۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶.
۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد ۱، چاپ دوم، انتشارات ساحل، تهران، ۱۳۸۳.
۹. مقالات
۱۰. آشوری، محمد، نگاهی به حقوق دفاعی متهم در حقوق اساسی و قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مجله مجتمع آموزش عالی قم، دوره ۳، ش ۳، ۱۳۸۷.
۱۱. ساقیان، محمدمهدی، «تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ششم، سال دوم، بهار ۱۳۹۳.
۱۲. صادقی، احمدرضا، مقدمه ای بر مفهوم سیاست جنایی، ماهنامه عدالت، سال دوازدهم، شماره ۹۰.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «سیاست جنایی»، مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۱ و ۱۲.

۲. منابع لاتین:

۱۴. استفانی، گاستون، لوا سور ژرژ، بولوک، برنارد، آئین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول؛ مترجم: دکتر حسن دادبان، نشر دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۷.
۱۵. لازرژ، کرسستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۲.
۱۶. مارتی، دلماس، نظام های بزرگ سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد ۱، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۱.

۳. منابع عربی:

۱۷. محمد ظاهر، معروف، المبادئ الادلّه فی اصول الاجراءات الجنائیة، بغداد، دارالطبع و النشر الاهلیه، ۱۹۷۲.